

## استفاده از تراکم عناصر کمیاب در اتولیت جهت مطالعه جمعیتی ماهی کلمه دریای خزر (*Rutilus rutilus*)

فرخ پرافکنده حقیقی و سهراب رضوانی

Parafkandeh@hotmail.com

موسسه تحقیقات شیلات ایران، تهران صندوق پستی: ۶۱۱۶-۱۴۱۵۵

تاریخ پذیرش: خرداد ۱۳۸۴

تاریخ ورود: تیر ۱۳۸۳

### چکیده

طی سالهای ۱۳۷۸ تا ۱۳۷۹، با هدف امکان بکارگیری روش تعیین عناصر کمیاب در اتولیت ماهی کلمه (*Rutilus rutilus*) از مناطق آستارا، انزلی، بابلسر و بندر ترکمن تعداد ۹۸ عدد ماهی جمع‌آوری شد. میزان عناصر کمیاب Br, Zn, Cu, Fe, Sr, K در اتولیت آنها با استفاده از روش PIXE تعیین شدند. مقایسه میانگین تجمع عناصر Cu, Fe, Sr, K و Zn بعنوان عناصر کمیاب در اتولیت ماهیان کلمه نشان می‌دهد که برای تفکیک و تمایز جمعیت این ماهیان در مناطق مختلف قابل استفاده است. میزان تجمع عناصر Zn, Cu, Fe, Sr, K در اتولیت ماهیان منطقه آستارا بترتیب ۷/۱ppm، ۱۷۸/۳، ۲/۶، ۰/۱ و ۰/۳ و در بندر ترکمن بترتیب ۹/۵ppm، ۱۱/۱، ۵/۷، ۰/۳ و ۰/۲ بود. اختلاف در میزان تجمع عناصر کمیاب در اتولیت ماهیان دو منطقه آستارا و بندر ترکمن معنی‌دار بود ( $p < 0.05$ ). در حالیکه این اختلاف در میزان تراکم عناصر یاد شده در اتولیت ماهیان دو ناحیه بابلسر و بندرانزلی معنی‌دار نبوده ( $p < 0.05$ ) و قابل تفکیک با ماهیان مناطق دیگر نیستند. سابقه مطالعاتی روی جمعیت‌های ماهی کلمه، با استفاده از خصوصیات مورفولوژیک، حاکی از وجود دو جمعیت از ماهیان کلمه در جنوب دریای خزر، جمعیت انزلی-کورا و گرگان-ترکمن است که با نتایج حاصل از این تحقیق همخوانی دارد.

**لغات کلیدی:** اتولیت، ماهی کلمه، *Rutilus rutilus*، دریای خزر

## مقدمه

مطالعه پویایی جمعیت ماهیان دریایی مستلزم تشخیص و تمایز جمعیت‌های آنان می‌باشد. اگر این مطالعات بدون تشخیص جمعیت‌ها صورت گیرد، می‌توان گفت که نتایج و بدنبال آن سیاست‌های مدیریتی نیز اعتبار کمتری خواهند داشت. به همین دلیل در مطالعات مربوط به میزان رشد، بقا و تولید مثل فرض بر آن است که یک جمعیت مستقل بررسی می‌شود (Campana & Casselman, 1993).

در شناسایی جمعیت‌ها بیشتر از شاخص‌های مریستیک و مورفومتریکی، روش علامتگذاری یا روش‌های الکتروفوریتیک استفاده می‌شود. ولی بتازگی روش‌های دیگری مانند شناسایی انگل‌های ماهی بعنوان میزان یا ترکیب شیمیایی بافت‌هایی مثل اتولیت نیز استفاده می‌شود (Cross & Payne, 1978; Mork *et al.*, 1985; Smith *et al.*, 1989; Wise, 1963; Mulligan *et al.*, 1987; Bowen, 1987; Lear & Wells, 1984; Scott & Martin, 1957). در بین بافتهای مطالعه شده، گزارشاتی در استفاده از بافتهایی غیر از اتولیت مثل استخوانها، فلسها و برخی از بافتهای نرم نیز منتشر شده است ولی دستاوردهای آنها اکثراً واضح نیست (Behrens Yamada *et al.*, 1987; Hamilton & Haines, 1989; Johanson, 1989; Calaprice, 1971; Hellou *et al.*, 1992; Miller, *et al.*, 1992). تاکید بر استفاده از اتولیت‌ها از آنجا ناشی می‌شود که ۹۰ درصد اتولیت را کربنات کلسیم و عناصر کمیاب آن تشکیل می‌دهند که در طول حیات ماهی بر خلاف سایر بخشهای سخت بدن در فرآیندهای متابولیک دچار تغییر نمی‌شوند (Campana & Gagne, 1995; Halden *et al.*, 1995; Campana *et al.*, 1994; Sie & Thresher, 1992; Gunn *et al.*, 1992; Thorrold *et al.*, 1997; Campana *et al.*, 1995). شرایط نامساعد محیطی، گرسنگی و کمبود غذا و... که طی دوران رشد روی می‌دهد، باعث ایجاد تغییراتی در ساختمان استخوانها، فلس‌ها و سایر بافتهای نرم می‌شوند ولی معمولاً اتولیت‌ها بدون تغییر باقی می‌مانند (Mulligan *et al.*, 1987; Campana *et al.*, 1995). ترکیب شیمیایی اتولیت‌ها بخصوص میزان عناصر کمیاب آنها در واقع شناساگرهای ژنتیکی نیستند و نمی‌توانند تمایز بین جمعیت‌ها را از نظر تفاوت‌های ژنتیکی مشخص سازند. اما این روش می‌تواند جمعیت‌هایی را که بخش عمده‌ای از حیات خود را در مناطقی مجزا گذرانده‌اند، تفکیک نماید (Campana *et al.*, 1995). از نظر سابقه مطالعاتی می‌توان به مطالعه عناصر تشکیل دهنده اتولیت ماهی Japanese flounder بعنوان شناساگرهای منطقه‌ای توسط Arai & Sakamoto, 1996، استفاده از تفاوت شیمیایی ساختمان فلس‌ها و مهره‌ها برای تشخیص جمعیت ماهی آزاد اقیانوس آرام توسط Mulligan *et al.*, 1987، استفاده از میزان عناصر کمیاب در بدن ماهی توسط Calaprice, 1971 و در مهره‌ها توسط Mulligan *et al.*, 1983; Calaprice, 1971 و Behrens Yamada *et al.*, 1987 اشاره کرد. همچنین براساس گزارش Edmonds و همکاران (1992) از این روش با استفاده از فلس‌ها توسط Bagenal و همکاران (1973) و Mulligan & Lapi (1981) جهت تمایز جمعیت ماهیان استفاده شده است.

اتولیت‌ها از کریستالهای کربنات کلسیمی درست شده اند که در ماتریکس پروتئینی Otolin قرار گرفته‌اند و عمده‌ترین عناصر تشکیل دهنده آنها عبارتند از: Si, Al, Cl, S, Na, K, Mn, Ti, Cr, Cu, Ra, V (Mulligan et al., 1987). از عناصر کمیاب اتولیت‌ها می‌توان به Pb و Br, Cd, Cu, Zn, Ni, Mn, Fe, Sr اشاره کرد (Arai & Sakamoto, 1993 ; Sie & Thresher, 1992). امروزه از شکل اتولیت هم به عنوان یک شناساگر طبیعی برای مطالعه جمعیت ماهیان صحبت می‌شود، چرا که شکل اتولیت یک ویژگی خاص در گونه‌ها محسوب می‌شود. ولی باید توجه داشت که استفاده از شکل اتولیت نیز همانند سایر روشهای تشخیص جمعیت‌ها (باستثنای استفاده از DNA) اختلافات محیطی و ژنتیکی را مشخص نمی‌سازد (Campana & Casselman, 1993).

در ایران استفاده از این روش در آبریان سابقه‌ای ندارد، لذا در این مطالعه هدف این بود که آیا امکان استفاده از آن برای تشخیص جمعیتی ذخایر آبریان دریای خزر مثل ماهی کلمه وجود دارد؟ انتخاب ماهی کلمه برای بررسی، بدلیل اهمیت آن در بحث بازسازی ذخایر و انتخاب مولدین می‌باشد. در بحث تامین مولد، اطلاع از اینکه کلمه دریای خزر از یک جمعیت واحد هست یا نه می‌تواند در مدیریت بهره برداری و همچنین تکثیر و حمایت از ذخایر، مفید واقع گردد. مطالعات گذشته روی ماهی کلمه دریای خزر، با استفاده از خصوصیات مورفولوژیک، دو جمعیت کلمه انزلی - کورا و کلمه گرگان - ترکمن در بخش جنوبی دریای خزر را گزارش کرده است (کازانچف، ۱۹۸۱ ; Berg, 1964). همچنین مطالعات انجام شده در سال ۱۳۸۲ روی جمعیت‌های ماهی کلمه در انزلی و گرگان با استفاده از روش PCR-RFLP نشان می‌دهد که تنوع جمعیت ماهی کلمه وجود دارد هر چند که این تفاوتها را معنی‌دار نشان نمی‌دهد (عقیلی، ۱۳۸۲).

## مواد و روش کار

جمع‌آوری نمونه‌ها از اواسط آذرماه سال ۱۳۷۸ تا اوایل فروردین ماه ۱۳۷۹ از صید شرکتهای تعاونی پره صورت گرفته است. ماهیان بصورت تصادفی از چهار ناحیه آستارا، انزلی، بابلسر و بندر ترکمن جمع‌آوری شدند. ابتدا ۲۲۰ ماهی کلمه به آزمایشگاه منتقل شد ولی بدلیل مشکلات تکنیکی در تعیین میزان عناصر برخی از اتولیت‌ها، از اطلاعات ۹۸ عدد ماهی استفاده شد (جدول ۱). در آزمایشگاه، ماهیان زیست‌سنجی شدند بطوریکه طول چنگالی با دقت ۱ میلیمتر و وزن با دقت ۱ گرم ثبت شد. اتولیت‌های Sagitta بسرعت استخراج شده و بعد از شستشو با آب، روی کاغذ صافی قرار می‌گرفتند تا در هوای آزمایشگاه خشک شوند. سپس آنها را در شیشه‌های کوچکی قرار داده و مشخصات ماهی روی آن درج می‌شد. تعیین سن از طریق فلس و با کمک لوپ آزمایشگاهی صورت گرفت. فلسها از محل زیر باله پشتی و بالای خط جانبی تهیه شدند و در بین آنها فلس‌های متقارن و سالم مورد استفاده قرار گرفتند. اتولیت‌ها جهت تعیین میزان عناصر کمیاب به سازمان انرژی اتمی ایران، منتقل شدند. ابتدا دستگاههای

مربوطه کالیبره شدند و سپس میزان عناصر Sr و Br,Zn,Cu,Fe,K از نظر کمی بررسی شدند. برای تعیین میزان عناصر کمیاب روش (Proton Induced X-ray Emission) PIXE انتخاب شد. روش PIXE اولین بار در سال ۱۹۷۰ توسط انستیتو Lund Institute of Technology معرفی شد (Kigam, 1998). اساس کار در این روش بمباران پروتونی نمونه‌ها است که در نتیجه آن لایه الکترونی آنها تحریک شده و انرژی بصورت X-ray منتشر می‌شود. میزان انرژی و خصوصیات X-ray متناسب با مقدار و نوع عناصر داخل نمونه‌هاست، که از نظر کمی و کیفی قابل تجزیه و تحلیل خواهد بود. طبیعت چند عنصری PIXE و همچنین حساسیت بالای آن، این امکان را فراهم کرده تا عناصر کمیاب زیادی در یک مرحله مشخص شوند. از امتیازات دیگر این روش، توانایی آنالیز نمونه‌های بسیار کم، سرعت آنالیز بالا (۱ تا ۱۰ دقیقه بمباران برای هر نمونه) و همچنین عدم تخریب ساختمان نمونه‌ها محسوب می‌شود. در اکثر گزارشات مرتبط با مسائل زیست محیطی و زیستی اظهار شده است که امتیاز بزرگ این روش حساسیت بالای آن در آنالیز نمونه‌های بسیار کم و با مقدار پائین است (Johansson & Maenhaut, 1994 ; Kirby *et al.*, 1998 ; Campbell, 1988).

برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از نرم افزار SPSS (10) استفاده شد و جهت مقایسه میانگین‌ها از آنالیز واریانس یکطرفه استفاده شده است. آزمون مورد استفاده LSD با حدود اطمینان  $p < 0.05$  بود.

جدول ۱: تعداد ماهیان نمونه برداری شده به تفکیک مناطق مورد مطالعه و کلاسهای سنی

بندر ترکمن	بابلسر	انزلی	آستارا	مجموع
۸	۳	۵	۸	۲۴
۵	۷	۱۰	۱۰	۳۲
۵	۵	۸	۶	۲۴
۶	۴	۲	۶	۱۸
۲۴	۱۹	۲۵	۳۰	۹۸

## نتایج

ماهیان صید شده در بندر ترکمن دارای طول و وزن بیشتری نسبت به مناطق دیگر بودند. میانگین طول ماهیان این منطقه  $225/5 \pm 6/3$  میلیمتر و میانگین وزن آنها  $191/6 \pm 14/2$  گرم بود. کوچکترین ماهیان در ناحیه انزلی با میانگین طول  $195/6 \pm 5/8$  میلیمتر و میانگین وزن  $134/122/3$  گرم صید شدند (جدول ۲).

جدول ۲: میانگین طول و وزن ماهی کلمه به تفکیک مناطق نمونه برداری طی سالهای ۷۹-۱۳۷۸

بندر ترکمن	بابلسر	انزلی	آستارا	
۲۲۵/۵	۲۰۸/۲	۱۹۵/۶	۲۰۲/۱	میانگین
۶/۳	۴/۱	۵/۸	۶/۲	SE (میلیمتر)
۱۸۴-۲۷۷	۱۸۰-۲۴۵	۱۶۵-۲۸۷	۱۵۵-۲۸۵	دامنه
۱۹۱/۶	۱۵۹/۸	۱۳۴/۲	۱۵۲/۵	میانگین
۱۴/۲	۱۰/۴	۱۲/۳	۱۳/۵	SE (گرم)
۱۰۰-۳۱۲/۸	۹۱/۵-۲۵۵	۷۵/۸-۳۲۸	۶۰/۸-۳۳۲	دامنه

میانگین طول ماهیان کلمه به تفکیک سن نشان می دهد که ماهیان متعلق به ناحیه شرق یا بندر ترکمن نسبت به ماهیان نواحی غرب بزرگتر هستند. بعنوان مثال میانگین طول یک ماهی ۲ ساله در بندر ترکمن ۱۸۹/۴ میلی متر است، در حالیکه این مقدار در آستارا ۱۶۸/۶ میلی متر می باشد و با حرکت بسوی شرق بتدریج افزایش می یابد (جدول ۳).

جدول ۳: میانگین طول ماهیان کلمه به تفکیک کلاسهای سنی در مناطق نمونه برداری طی سالهای ۷۹-۱۳۷۸

بندر ترکمن	بابلسر	انزلی	آستارا	
۱۸۹/۴	۱۹۰/۳	۱۷۳/۸	۱۶۸/۶	ماهیان ۲ ساله
۲/۲	۳/۲	۳/۳	۵/۵	SE (میلیمتر)
۱۸۴-۲۰۳	۱۸۵-۱۹۶	۱۶۵-۱۸۵	۱۵۵-۲۰۰	دامنه
۲۲۰/۴	۲۰۰/۴	۱۸۱/۵	۱۹۱/۹	ماهیان ۳ ساله
۴/۷	۵/۴	۳/۱	۴/۲	SE (میلیمتر)
۲۰۵-۲۳۵	۱۸۰-۲۲۰	۱۶۵-۲۰۳	۱۷۰-۲۰۷	دامنه
۲۴۳/۷	۲۰۸	۲۰۶/۷	۲۰۸/۸	ماهیان ۴ ساله
۱/۴	۲	۳/۹	۱/۸	SE (میلیمتر)
۲۳۸-۲۴۶	۲۰۲-۲۱۳	۱۸۶-۲۲۰	۲۰۲-۲۱۳	دامنه
۲۶۲/۵	۲۳۵/۲	۲۷۶	۲۵۷	ماهیان ۵ ساله
۴/۱	۴/۶	۱۰/۹	۷/۳	SE (میلیمتر)
۲۵۰-۲۷۷	۲۲۵-۲۴۵	۲۶۵-۲۸۷	۲۳۱-۲۸۵	دامنه

میانگین تراکم و تجمع عناصر کمیاب در اتولیت ماهیان کلمه به تفکیک نواحی آستارا، انزلی، بابلسر و بندر ترکمن در جدول ۴ آورده شده است.

بیشترین میزان تجمع عنصر Sr در منطقه آستارا با  $1467/2 \text{ ppm}$  در اتولیت ماهیان کلمه دیده شد. کمترین میزان Sr در ماهیان ناحیه شرق یعنی بندر ترکمن با  $347/2 \text{ ppm}$  بود. میزان Sr در اتولیت ماهیان از غرب به شرق کاهش می یابد (نمودار ۱).

برخلاف Sr، میزان تجمع Fe در اتولیت ماهیان صید شده از شرق به غرب کاهش نشان می دهد، بطوریکه میزان آن در بندر ترکمن  $110/9 \text{ ppm}$  بود و با یک کاهش تدریجی به کمترین مقدار خود در آستارا یعنی  $41/6 \text{ ppm}$  می رسد (نمودار ۲).

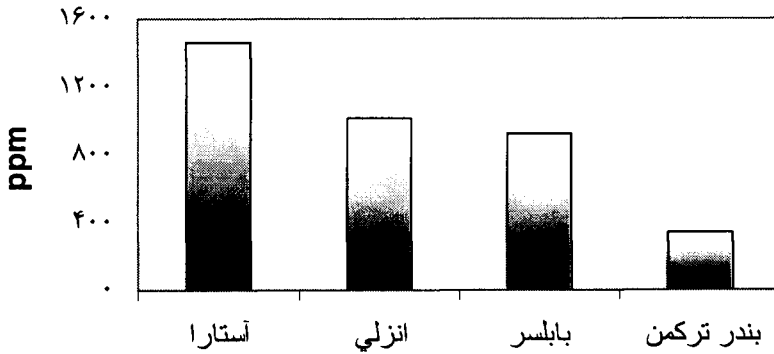
در مورد عنصر K قابل ذکر است که بااستثنای ناحیه بندر انزلی، میزان آن در اتولیت ماهیان کلمه از شرق به غرب افزایش کمی را نشان می دهد. در شرقی ترین منطقه مورد مطالعه یعنی بندر ترکمن میزان K در اتولیت ماهیان کلمه  $105/4 \text{ ppm}$  بود، در حالیکه این مقدار برای ماهیان آستارا  $197/8 \text{ ppm}$  ثبت شده است.

جدول ۴: میانگین تراکم عناصر کمیاب (ppm) در اتولیت ماهیان کلمه بتفکیک چهار منطقه نمونه برداری شده طی سالهای ۷۹-۱۳۷۸

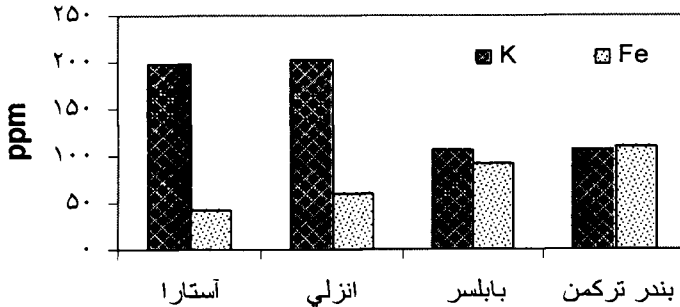
عنصر	بندر ۲۴=n	بابلسر ۱۹=n	انزلی ۲۵=n	آستارا ۳۰=n
ترکمن				
میانگین	۱۰۵/۴	۱۰۶/۵	۲۰۱/۱	۱۹۷/۸
SE	۹/۵	۱۷/۵	۵/۵	۷/۱
دامنه	۳۱/۲ - ۱۹۶/۸	۴۶/۴ - ۲۶۰	۱۲۲ - ۲۴۶	۱۳۳ - ۲۸۰
میانگین	۱۱۰/۹	۹۲/۹	۵۹/۱	۴۱/۶
SE	۵/۷	۷/۱	۲	۲/۶
دامنه	۷۲/۷ - ۱۷۱	۳۶ - ۱۵۲	۴۲ - ۸۰	۲۵ - ۹۷
میانگین	۳/۶	۵	۶/۲	۶
SE	۰/۳	۰/۴	۰/۱	۰/۱
دامنه	۱/۶ - ۷/۱۶	۱/۲ - ۶/۸	۵/۲ - ۷/۱	۵ - ۷/۳
میانگین	۵/۱	۶/۱	۶/۶	۸/۴
SE	۰/۲	۰/۷	۰/۱	۰/۳
دامنه	۳ - ۷/۱	۳/۱ - ۱۱/۱	۵/۵ - ۸/۱	۵/۲ - ۱۱/۲
میانگین	۳۴۷/۲	۹۲۰/۲	۱۰۱۷/۶	۱۴۶۷/۲
SE	۱۱/۱	۳۸/۹	۹/۹	۱۷۸/۳
دامنه	۲۵۹/۸ - ۴۷۰	۶۳۱ - ۱۲۱۰	۹۴۷/۶ - ۱۱۰۰	۸۹۶/۸ - ۱۱۹۲۰
میانگین	۹/۵	۱۰/۳	۱۰	۹/۸
SE	۰/۲	۰/۲	۰/۱	۰/۲
دامنه	۷/۲ - ۱۱/۱	۹/۲ - ۱۱/۷	۹/۲ - ۱۱/۲	۷/۸ - ۱۱

میزان عنصر K برای ماهیان منطقه انزلی اندکی بیشتر از این مقدار یعنی  $201/1$  ppm بود. چنین حالتی در مورد میزان Cu نیز مشاهده گردید. مقدار این عنصر در اتولیت ماهیان منطقه بندر ترکمن کمترین میزان را با  $3/6$  ppm داشت ولی با حرکت بسمت غرب این مقدار افزایش ملایمی را نشان می‌دهد. مقدار آن در بابلسر و انزلی و آستارا بترتیب  $6/2,5$  و  $6$  ppm بود (نمودار ۳).

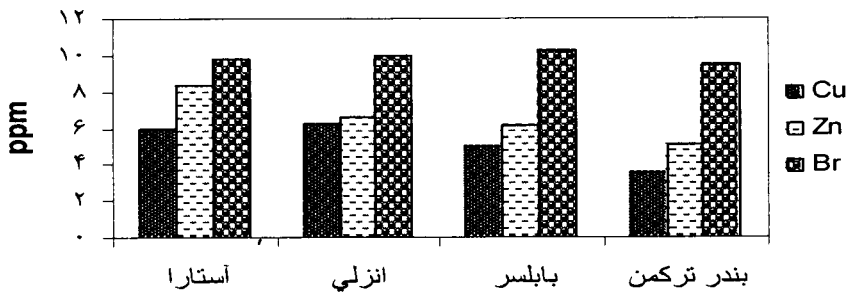
میزان Zn در اتولیت ماهیان هر چهار ناحیه مطالعه شده کمتر از  $10$  ppm بود و از شرق به غرب هم افزایش کمی را نشان می‌دهد، بطوریکه مقدار آن از  $5/1$  ppm در بندر ترکمن به  $8/4$  ppm در آستارا می‌رسد.



نمودار ۱: میزان تراکم عنصر Sr در اتولیت ماهیان کلمه به تفکیک نواحی بررسی شده



نمودار ۲: میزان تراکم عناصر K و Fe در اتولیت ماهیان کلمه به تفکیک نواحی بررسی شده



نمودار ۳: میزان تراکم عناصر Zn، Cu و Br در اتولیت ماهیان کلمه به تفکیک نواحی بررسی شده

نوسانات میزان Br در اتولیت ماهیان نواحی مختلف نمونه برداری شده کم بود، بطوریکه بیشترین میزان آن در بابلسر با ۱۰/۳ppm و کمترین مقدار آن در بندر ترکمن با ۹/۵ppm اندازه گیری شد (نمودار ۳).

بیشترین تراکم میزان عناصر کمیاب در ماهیان ۲ ساله را Sr و K بخود اختصاص داده اند. بیشترین میزان Sr در انزلی با ۱۰۱۱/۵ppm بود. کمترین میزان در بین عناصر به Br، Zn و Cu تعلق داشت که در همه مناطق مطالعه شده کمتر از ۱۰ppm بود (جدول ۵).

جدول ۵: میانگین تراکم عناصر مختلف در ماهیان ۲ ساله به تفکیک نواحی (بر حسب ppm)

آستارا	انزلی	بابلسر	بندر ترکمن	SE ± میانگین K دامنه
۱۵۸/۹ ± ۶/۳ (۱۳۷/۸-۱۸۷/۸)	۱۶۱/۶ ± ۱۴/۱ (۱۲۲-۱۹۴)	۵۵/۶ ± ۴/۷ (۴۶/۴-۶۲/۱)	۱۰۱/۳ ± ۴/۷ (۹۲/۸-۱۳۳)	SE ± میانگین Fe دامنه
۳۵/۶ ± ۲/۷ (۲۵/۳-۴۷/۵)	۶۱/۸ ± ۳/۲ (۵۳/۴-۷۳/۱)	۸۸/۴ ± ۱/۹ (۸۵/۳-۹۲)	۸۳/۸ ± ۳/۶ (۷۲/۷-۱۰۱/۱)	SE ± میانگین Cu دامنه
۵/۷ ± ۰/۱ (۵/۲-۶/۳)	۵/۸ ± ۰/۱ (۵/۳-۶/۱)	۵/۳ ± ۱/۷ (۵-۵/۶)	۴/۶ ± ۰/۶ (۲/۵-۷/۶)	SE ± میانگین Zn دامنه
۶/۷ ± ۰/۴ (۵/۲-۸/۶)	۶ ± ۰/۴ (۵/۸-۶/۲)	۵/۶ ± ۱/۷ (۵/۳-۵/۹)	۵/۲ ± ۰/۲ (۴/۲-۶)	SE ± میانگین Sr دامنه
۱۰۰۲/۴ ± ۲۷/۷ (۸۹۶/۸-۱۰۷۹)	۱۰۱۱/۵ ± ۲۲/۳ (۹۷۴/۶-۱۰۹۶)	۸۹۱ ± ۷/۵ (۸۷۶/۱-۹۰۰)	۳۱۲ ± ۱۵/۷ (۲۵۹/۸-۳۹۳/۶)	SE ± میانگین Br دامنه
۹/۱ ± ۰/۳ (۷/۸-۱۰/۶)	۹/۹ ± ۰/۳ (۹/۲-۱۰/۶)	۹/۷ ± ۰/۳ (۹/۲-۱۰/۱)	۸/۸ ± ۰/۳ (۷/۲-۱۰/۱)	



در ماهیان ۳ ساله هم بیشترین مقدار Sr بترتیب در آستارا و انزلی مشاهده شد ولی کمترین میزان آن در بندر ترکمن دیده شد. همچنین در این دو ناحیه K, Zn و Cu بیشترین مقدار را داشتند (جدول ۶).

جدول ۶: میانگین تراکم عناصر مختلف در ماهیان ۳ ساله به تفکیک نواحی (بر حسب ppm)

آستارا	انزلی	بابلسر	بندر ترکمن	SE ± میانگین K دامنه
۱۹۳/۵ ± ۱۰/۴ (۱۳۳/۲-۲۶۱/۳)	۲۱۱/۷ ± ۵/۴ (۱۸۹/۱-۲۴۴)	۶۰/۹ ± ۲/۲ (۵۰-۶۸/۹)	۱۱۵/۴ ± ۱۳/۱ (۹۰/۲-۱۶۱)	
۳۶/۷ ± ۱/۴ (۳۰/۲-۴۳/۱)	۵۹/۱ ± ۳/۷ (۴۳/۱-۸۰)	۹۸/۳ ± ۲/۳ (۸۹/۲-۱۰۵/۱)	۱۰۰/۵ ± ۰/۹ (۹۷/۸-۱۰۳)	SE ± میانگین Fe دامنه
۵/۹ ± ۰/۲ (۵-۶/۸)	۶/۱ ± ۰/۱ (۵/۵-۶/۷)	۵/۸ ± ۰/۱ (۵/۲-۶/۱)	۴/۸ ± ۰/۱ (۴/۳-۵/۲)	SE ± میانگین Cu دامنه
۷/۶ ± ۰/۰۶ (۸/۶-۸/۷)	۶/۳ ± ۰/۰۳ (۵/۵-۶/۷)	۴/۸ ± ۰/۲ (۳/۹-۵/۳)	۳/۴ ± ۰/۲ (۳-۴)	SE ± میانگین Zn دامنه
۱۱۳۵/۲ ± ۱۷/۵ (۱۰۷۹-۱۲۱۱)	۱۰۴۷/۹ ± ۱۴/۹ (۹۴۷/۶-۱۱۰۰)	۹۲۲/۳ ± ۱۸/۸ (۸۷۰/۷-۹۹۱/۶)	۳۵۶/۱ ± ۲۰/۸ (۳۰۸/۹-۴۱۴/۷)	SE ± میانگین Sr دامنه
۹/۹ ± ۰/۲ (۸/۸-۱۱)	۹/۹ ± ۰/۱ (۹/۲-۱۰/۸)	۱۰/۲ ± ۰/۲ (۹/۲-۱۱)	۹/۲ ± ۰/۲ (۸/۶-۹/۷)	SE ± میانگین Br دامنه

ولی در گروه سنی ۴ ساله‌ها ماهیان ناحیه آستارا با بیش از ۱۱۶۳ ppm بیشترین میزان Sr را داشت. کمترین میزان Sr در منطقه بندر ترکمن با ۳۴۴/۸ ppm دیده شد ولی در همین ناحیه میزان K, Zn و Br در مقایسه با مناطق دیگر بیشترین مقدار را داشت (جدول ۷).

جدول ۷: میانگین تراکم عناصر مختلف در ماهیان ۴ ساله به تفکیک نواحی (بر حسب ppm)

آستارا	انزلی	بابلسر	بندر ترکمن	SE ± میانگین K دامنه
۲۳۶/۷ ± ۱۲/۹ (۱۹۸/۱-۲۸۰)	۲۱۳/۶ ± ۵/۱ (۱۹۵/۷-۲۳۵)	۲۲۸ ± ۱۱/۷ (۱۹۸-۲۶۰)	۱۶۷/۷ ± ۱۶/۷ (۱۰۶/۸-۱۹۶/۸)	
۵۷/۵ ± ۹/۸ (۳۶-۹۷)	۵۸/۷ ± ۳/۳ (۴۲-۷۰/۲)	۵۶/۸ ± ۱/۲ (۳۶-۹۷)	۱۳۰/۶ ± ۹/۵ (۱۰۱-۱۵۸)	SE ± میانگین Fe دامنه
۶/۲ ± ۰/۳ (۵/۲-۷/۳)	۶/۵ ± ۰/۱ (۵/۹-۷/۱)	۵/۹ ± ۰/۳ (۵/۲-۶/۸)	۲/۵ ± ۰/۲ (۱/۹-۲/۹)	SE ± میانگین Cu دامنه
۱۰/۴ ± ۰/۲ (۹/۶-۱۱/۲)	۷/۱ ± ۰/۳ (۶/۲-۸/۱)	۱۰/۳ ± ۰/۳ (۹/۶-۱۱/۱)	۶/۱ ± ۰/۴ (۵-۷/۱)	SE ± میانگین Zn دامنه
۱۱۶۳/۵ ± ۳۳/۲ (۱۰۹۰-۱۳۰۰)	۹۹۴/۵ ± ۱۴/۴ (۹۵۰-۱۰۷۱)	۱۱۳۶/۲ ± ۲۳/۱ (۱۰۹۰-۱۲۱۰)	۳۴۴/۸ ± ۱۳/۵ (۳۱۱-۳۸۵)	SE ± میانگین Sr دامنه
۱۰/۷ ± ۰/۲ (۱۰-۱۱/۲)	۱۰/۲ ± ۰/۲ (۹/۶-۱۱/۲)	۱۰/۶ ± ۰/۲ (۱۰-۱۱)	۱۰ ± ۰/۳ (۹/۲-۱۱/۱)	SE ± میانگین Br دامنه

در گروه سنی ۵ ساله ها ماهیان صید شده در آستارا با  $2942/9 \text{ ppm}$  بیشترین و در بندر ترکمن با  $388/8 \text{ ppm}$  کمترین میزان Sr را داشتند. عناصر Br, Fe, Cu, Zn همانند سایر گروه های سنی در میزان کمتری نسبت به K و Sr قرار داشتند (جدول ۸).

جدول ۸: میانگین تراکم عناصر مختلف در ماهیان ۵ ساله به تفکیک نواحی (برحسب ppm)

آستارا	انزلی	بابلسر	بندر ترکمن	
$217/8 \pm 9/4$ (۱۹۵-۲۵۳)	$197 \pm 5$ (۱۹۲-۲۰۲)	$72/5 \pm 6/9$ (۶۱/۶-۹۲/۶)	$50/5 \pm 6$ (۳۱/۲-۷۱)	SE $\pm$ میانگین K دامنه
$41/9 \pm 4/4$ (۲۷-۵۷)	$54 \pm 11/9$ (۴۲-۶۶)	$131/7 \pm 11/1$ (۱۰۱-۱۵۲)	$139 \pm 8/4$ (۱۱۱-۱۷۱)	SE $\pm$ میانگین Fe دامنه
$6/3 \pm 0/2$ (۵-۷)	$6/4 \pm 0/2$ (۶/۲-۶/۶)	$2/2 \pm 0/4$ (۱/۲-۳)	$2/2 \pm 0/2$ (۱/۶-۲/۹)	SE $\pm$ میانگین Cu دامنه
$9/8 \pm 0/4$ (۸-۱۱)	$7/4 \pm 0/4$ (۷-۷/۸)	$3/5 \pm 0/2$ (۳/۱-۴)	$5/7 \pm 0/3$ (۴/۹-۷/۱)	SE $\pm$ میانگین Zn دامنه
$2942/9 \pm 179/5$ (۱۰۱۱-۱۱۹۲۰)	$973 \pm 7/9$ (۹۶۵-۹۸۱)	$668/5 \pm 16/3$ (۶۳۱-۷۰۱)	$388/8 \pm 26/3$ (۳۱۱-۴۷۰)	SE $\pm$ میانگین Sr دامنه
$9/7 \pm 0/4$ (۸/۵-۱۱)	$10/3 \pm 0/6$ (۹/۶-۱۱)	$10/7 \pm 0/4$ (۹/۸-۱۱/۷)	$10/1 \pm 0/3$ (۹/۲-۱۱)	SE $\pm$ میانگین Br دامنه

## بحث

مطالعه حاضر با هدف امکان بکارگیری روش تعیین عناصر کمیاب در بخش های سخت بدن برای تفکیک جمعیت های احتمالی ماهیان دریای خزر صورت گرفت. از بین ماهیان استخوانی اقتصادی دریای خزر ماهیانی مثل کپور، کلمه و کیلکا برای این مطالعه انتخاب اول بودند. لذا با توجه به اندازه مناسب اتولیت های ماهی کلمه و همچنین وجود سابقه مطالعاتی مناسب روی ماهی کلمه از نظر تفکیک جمعیتی، بررسی حاضر روی ماهی کلمه متمرکز شد. بدلیل انتخاب نمونه ها از صید تور پره و انتخابی عمل کردن روش صید پره، ماهیان یکساله در نمونه برداری دیده نشد. نمونه های جمع آوری شده در کلاس های سنی ۲ تا ۵ سال قرار داشتند. برای کار دو حالت وجود داشت، اول اینکه بدون در نظر

گرفتن کلاسه‌های سنی، نمونه‌ها بصورت کلی بررسی شوند. در دومین حالت ماهیان بصورت مجزا و در کلاسه‌های سنی خود مورد ارزیابی قرار می‌گرفتند. لازم به توضیح است که در گذشته هر دو روش یاد شده بکارگرفته شده است و نتایج خوب و قابل قبولی را هم در پی داشته است. بعنوان مثال، در مطالعه ماهی *Gadus morhua* نمونه‌های بررسی شده در دامنه سنی ۲ تا ۱۲ سال قرار داشتند ولی ماهیان بصورت کلی در نظر گرفته شده اند و تفکیک سنی در آن لحاظ نشده است (Campana et al., 1995). همچنین در مطالعه ماهی *Yellow-eye mullet (Aldrichetta forsteri)* در غرب استرالیا که میانگین طول آنها در محدوده ۲۱۰ تا ۳۶۸ میلی‌متر بود و در سنین  $2^+$  و  $3^+$  سال قرار داشتند، تفکیک کلاس‌های سنی صورت نگرفته است (Edmonds et al., 1992). در مطالعه ماهی *Scomber japonicus colias* در دریای اژه (بین ترکیه و یونان)، آنها در ۶ گروه سنی از ۱ تا ۶ سال گروه‌بندی و مطالعه شده‌اند (Papadopoulou et al., 1980).

مقایسه میانگین تجمع و تراکم عناصر K, Fe, Cu, Zn, Sr نشان می‌دهد که در سطح تراکم Fe در اتولیت ماهیان مناطق آستارا، انزلی، بابلسر و بندر ترکمن، اختلاف معنی داری در میانگین تجمع این عنصر در چهار ناحیه وجود دارد و هر چهار منطقه از همدیگر متمایز هستند. ولی مقایسه میانگین تجمع عناصر K, Cu, Zn, Sr نشان می‌دهد که ماهیان دو ناحیه بندر ترکمن و آستارا از همدیگر مجزا هستند و در واقع اختلاف معنی‌داری بین آنها وجود دارد. اگر در این حالت داده‌های منطقه بندر انزلی مد نظر قرار نگیرد، مشخص می‌شود که در سطح تجمع عناصر Fe و Cu, Sr سه ناحیه آستارا، بابلسر و بندر ترکمن از همدیگر متمایز هستند. در یک حالت دیگر با ادغام داده‌های مناطق آستارا و انزلی، در سطح تجمع عناصر Fe و Cu، هر سه ناحیه (آستارا + انزلی)، بابلسر و بندر ترکمن قابل تفکیک هستند ولی در سطح عناصر K و Zn, Sr دو ناحیه (آستارا + انزلی) و بندر ترکمن مجزا بوده و قابل تفکیک هستند. در این دو حالت یعنی کنار گذاشتن انزلی یا یکی کردن داده‌های انزلی و آستارا، یک حالت مشترک وجود دارد و آن اینکه ماهیان دو ناحیه آستارا (یا آستارا + انزلی) و بندر ترکمن در سطح تجمع عناصر Fe و K, Zn, Sr در اتولیت‌شان، با همدیگر متفاوت هستند. مجموع مباحث نشان می‌دهد که اختلاف معنی‌داری در تجمع عناصر کمیاب در اتولیت ماهیان کلمه دو ناحیه آستارا و بندر ترکمن وجود دارد. همچنین مقایسه تراکم عناصر کمیاب در گروه‌های سنی مختلف نیز نشان می‌دهد که در سطح تراکم عناصر K و Fe, Zn, Sr باستثنای ماهیان ۵ ساله، سایر گروه‌های سنی در دو ناحیه آستارا و بندر ترکمن قابل تفکیک هستند ولی در ماهیان مناطق انزلی و بابلسر این موضوع صدق نمی‌کند و در واقع تفاوت معنی‌داری بین آنها مشاهده نمی‌شود.

گزارشات قبلی در مورد ماهی کلمه دریای خزر (کازانچف، ۱۹۸۱؛ Berg, 1964) حاکی از وجود چهار جمعیت از آن است که دو جمعیت آن متعلق به بخش جنوبی دریای خزر هستند که از آنها تحت عنوان کلمه کورا (انزلی) و کلمه ترکمنستان (گرگان) یاد می‌کنند. نتایج بدست آمده از بررسی حاضر با این گزارشها و نتایج همخوانی دارد و در واقع اختلاف بین دو ناحیه شرق و غرب را کاملاً مشخص می‌کند. در حقیقت با استفاده از این روش ماهیان کلمه دو منطقه شرق (بندر ترکمن) و غرب (آستارا)

مجزا هستند و این در حالی است که ماهیان مناطق بابلسر و بندر انزلی قابل تفکیک نبوده و در واقع یک اختلاط و همپوشانی در آنها دیده می‌شود.

از سوی دیگر مقایسه وضعیت رشد در ماهیان کلمه صید شده از مناطق مختلف نیز نشان دهنده همین موضوع است. بعنوان مثال میانگین طول ماهیان ۲ ساله در منطقه آستارا ۱۶۸/۶ میلی‌متر بود در حالیکه این مقدار برای ماهیان ناحیه بندر ترکمن ۱۸۹/۴ میلی‌متر است. این مقدار برای ماهیان ۳ ساله در آستارا ۱۹۱/۹ میلی‌متر و در بندر ترکمن ۲۲۰/۴ میلی‌متر است. مقایسه میانگین‌های طول در گروه‌های سنی مختلف نشان می‌دهد که ماهیان ساکن در منطقه شرق از رشد بهتر و بیشتری در مقایسه با نمونه‌های غرب برخوردارند و این اختلاف رشد در گروه‌های سنی مختلف در دو ناحیه آستارا و بندر ترکمن معنی دار است.

بتازگی نیز در یک مطالعه بر روی تنوع جمعیتی کپور ماهیان دریای خزر با روش PCR-RFLP مشخص شده است که با استفاده از این روش می‌توان تنوع بین جمعیت‌های ماهیان کلمه در مناطق بندر انزلی و گرگان را نشان داد (عقیلی، ۱۳۸۲). در هر صورت نتایج نشان می‌دهد که امکان استفاده و بکارگیری این روش برای مطالعه و تفکیک جمعیت ذخایر آبزیان دریای خزر وجود دارد هر چند که برای نتیجه‌گیری نهایی تکمیل مطالعات بخصوص برای گونه‌های دیگر یک ضرورت انکار ناپذیر است.

در مطالعات اکوتوکسیکولوژی دریای خزر در سال ۲۰۰۲ که با شرکت تمام کشورهای ساحلی آن صورت گرفته است، میزان فلزات سنگین در بافتهای مختلف ماهیان خاویاری مانند کبد، عضلات، گناد و آبششها و همچنین تراکم آنها در آب دریا تعیین شده است. مقایسه نتایج ثبت شده برای تراکم Zn و Hg در کبد ماهیان خاویاری نشان می‌دهد که میزان آنها در نواحی غربی مثل داغستان بالاتر از جنوب شرقی و سواحل ترکمنستان است. بعنوان مثال میزان Zn در کبد ماهیان منطقه داغستان ۹/۸۱ mg/kg گزارش شده است ولی این میزان در ناحیه ترکمنستان ۸/۳۲ mg/kg بوده است (Report, 2002). مقایسه میزان تجمع و تراکم برخی از عناصر در مناطق نمونه‌برداری نشان می‌دهد که تجمع Sr و Zn در اتولیت ماهیان از غرب به شرق کاهش پیدا می‌کند. بیشترین میزان عنصر Sr در اتولیت ماهیان منطقه آستارا با ۱۴۶۷/۲ ppm بود. این مقدار با یک کاهش تدریجی به کمترین مقدار یعنی ۳۴۷/۲ ppm در ناحیه بندر ترکمن رسیده است. روند کاهشی در مقدار Sr در آب دریا از ناحیه جنوب غربی بسمت جنوب شرقی یعنی از منطقه جمهوری آذربایجان تا ترکمنستان در گزارشات سال ۲۰۰۲ هم ارائه شده است که در واقع با نتایج حاصل از مطالعه فعلی همخوانی دارد. بطوریکه حداقل و حداکثر میزان Sr در منطقه جمهوری آذربایجان بترتیب ۱۴۷۲ و ۱۸۲۳ میلی‌گرم در لیتر گزارش شده است ولی این مقادیر برای منطقه ترکمنستان بترتیب ۱۲۱۳ و ۱۸۶۴ میلی‌گرم در لیتر بود (Report, 2002). همچنین کمترین و بیشترین میزان Zn ثبت شده در منطقه جمهوری آذربایجان بترتیب ۶۳/۷ و ۳۹/۸ میلی‌گرم در لیتر و در ترکمنستان هم ۳۲/۱ و ۶۱/۸ میلی‌گرم در لیتر بود (Report, 2002).

مطالعات صورت گرفته برای اندازه‌گیری میزان فلزات سنگین در ماهیان قره برون و ازون برون طی سالهای ۷۸-۱۳۷۶ در ایران نیز مشخص ساخته است که در مقایسه دو ناحیه بندر ترکمن و آستارا،

بافت عضله ماهیان ازون برون صید شده در بندر ترکمن دارای تجمع کمتری از عنصر Zn (۲۲/۳ ppm) نسبت به ماهیان صید شده در منطقه آستارا (۲۹/۸ ppm) هستند (صادقی راد، ۱۳۸۱). نتایج بررسی میزان تجمع عنصر Zn در بافت عضله ماهی سوف طی سال ۱۳۷۹ نیز مشخص ساخته است که میزان Zn در عضله ماهیان صید شده در ناحیه نوشهر کمتر از ماهیان صید شده در استان گیلان می باشد، بطوریکه میزان آن در منطقه نوشهر بین ۲۱/۱۵ تا ۳۰/۵۳ ppm/DW در نوسان بود ولی این مقادیر در استان گیلان بترتیب ۲۵/۵۷ و ۳۷/۵۸ ppm/DW برآورد شده است (رضوانی، ۱۳۷۹).

در خصوص عنصر Cu نیز کمترین میزان ثبت شده در اتولیت ماهیان ناحیه بندر ترکمن بود و با حرکت بسمت غرب این مقدار افزایش یافته است. مطالعات سال ۷۸-۱۳۷۶ روی تراکم این عنصر در خاویار و عضله ماهیان خاویاری نشان می دهد که این الگو و روند در مورد تراکم این عنصر در خاویار قره برون (۳/۹۶ ppm) در بندر ترکمن و ۴/۶۴ ppm در آستارا) و ازون برون (۱/۳ ppm) در بندر ترکمن و ۱/۷ ppm در آستارا) صادق است (صادقی راد، ۱۳۸۱). همچنین، مقایسه تراکم عنصر Cu در بافت عضله ماهی سوف صید شده در مازندران و گیلان نشان می دهد که کمترین میزان آن در عضله ماهیان استان مازندران با ۰/۱۵ ppm/DW ثبت شده است (رضوانی، ۱۳۷۹).

در یک نتیجه گیری کلی باید گفت که خصوصیات و ویژگیهای منطقه ای که ماهی در آن زیست می کند در اتولیت آنها منعکس می شود و تفاوت های موجود در محیط زیست آنها از طریق بررسی میزان تراکم و تجمع عناصر مختلف و بخصوص عناصر کمیاب در اتولیت ها قابل بررسی است. عناصر کمیاب در حقیقت شناساگرهای ژنتیکی نیستند و نمی توانند تمایز بین جمعیتها را از نظر تفاوت های ژنتیکی مشخص سازند، ولی با این روش می توان جمعیتهایی را که بخش عمده ای از حیات خود را در مناطقی مجزا گذرانده اند و در واقع مهاجرت ها و جابجایی های طولانی نداشته اند، تفکیک کرد (Campana et al., 1995). در این بررسی اولین هدف این بود که آیا امکان بکارگیری این روش برای ماهیان استخوانی دریای خزر وجود دارد یا نه؟ تشخیص و تفکیک جمعیت های ماهیان اقتصادی و مهمی مثل کیلکا، ماهی سفید، ماهی کپور، ماهی کلمه و ... که معمولاً بصورت مشترک با کشورهای همسایه و ساحلی دریای خزر بهره برداری می شوند، می تواند در نوع مدیریت روی ذخایر آنها تاثیرگذار باشد. قابل ذکر است که شیلات ایران در جهت ترمیم ذخایر و ازدیاد نسل اکثر این گونه ها سیاست های حمایتی و سرمایه گذاری های زیادی را داشته است. احداث کارگاه های متعدد تکثیر و پرورش و تولید و رهاسازی سالانه میلیون ها عدد بچه ماهی انگشت قد در دریا از جمله این سیاستها محسوب می شود. مسلماً آگاهی از وجود جمعیت های متنوع از ماهیان علاوه بر تاثیر در نگاه به نوع بهره برداری، در بحث تولید و انتخاب مولدین برای تکثیر در کارگاهها هم تاثیرگذار خواهد بود. لذا، امید است با تداوم و تکرار این بررسی و بخصوص روی گونه های دیگر بتوان به سئوالات و مباحث جواب داده نشده پاسخی مناسب داد.

## تشکر و قدردانی

از آقایان دکتر تقوی، دکتر پورنگ، مهندس افرائی، مهندس قاسمی، مهندس پیروان، مهندس وطن خواه، مهندس بورانی، دکتر رستمی، مهندس غنی نژاد، مهندس بندانی، مهندس فضل، مهندس طالبشیان، مهندس باقرزاده، دکتر نگارستان، دکتر کیمرام، دکتر خوشباور رستمی و مهندس مقیم بدلیل همکاری و همکاری در این مطالعه تشکر و قدردانی بعمل می‌آید.

از آقای دکتر Steven E. Campana از کشور کانادا که در طول دوره اجرای این مطالعه از هیچگونه راهنمایی و مساعدتی دریغ نکردند، سپاسگزاری می‌نمائیم.

## منابع

رضوانی، س.، ۱۳۷۹. بررسی آثار هیستولوژیک ناشی از عوامل زیست محیطی دریای خزر روی ماهیان استخوانی شکارچی "آزاد و سوف دریای خزر". موسسه تحقیقات شیلات ایران. در حال انتشار.

صادقی راد، م.، ۱۳۸۱. اندازه‌گیری فلزات سنگین (روی، مس، کادمیم، سرب و جیوه) در بافت عضله و خاویار دو گونه تاسماهی ایرانی و ازون برون حوضه جنوبی دریای خزر. موسسه تحقیقات شیلات ایران. ۱۳۸۱. ۸۲ صفحه.

عقیلی، ر.، ۱۳۸۲. بررسی تنوع ژنتیکی در خانواده کپورماهیان دریای خزر به روش RFLP. پایان نامه دکتری عمومی دامپزشکی. دانشگاه آزاد اسلامی واحد گرمسار. ۱۴۶ صفحه.

کازانچف، ا.ا.، ۱۹۸۱. ماهیان دریای خزر و حوضه آبریز آن. ترجمه: ابوالقاسم شریعتی، ۱۳۷۱. وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی. ۱۷۱ صفحه.

**Arai, N. and Sakamoto, W. , 1993.** PIXE analysis of otoliths from reared Red sea Bream, *Pagrus major* (Temminck et schlegl). International Journal of PIXE. Vol.3, No.4, pp. 275-281.

**Arai, N. and Sakamoto, W. , 1996.** PIXE analysis of fish otoliths: Application to fish stock discrimination. International Journal of PIXE, Vol.6, Nos.182, pp.227-232.

**Bagenal, T.B. ; Mackereth, F.J.H. and Heron, J. , 1973.** The distinction between brown trout and sea trout by the strontium content of their scales. Journal of Fish Biol. Vol. 5, pp.555-557.

**Behrens Yamada, S. ; Mulligan, T.J. and Fournier, D. , 1987.** Role of environment and stock on the elemental composition of sockeye salmon (*Oncorhynchus nerka*) vertebrae. . Can. J. Fish. Aquat. Sci., Vol. 50, pp.1062-1083.

**Berg, S.L. , 1964.** Fresh water fishes of USSR and Adjacent Countries. Vol.2. Izdatelstvo Akademii Nauk USSR. Moscowa. Leiningrad. 1510P.

- Bowen, W.D. , 1987.** A review of stock structure in the Gulf of Maine area: A workshop report. Can. Atlantic Fisheries Scientific Advisory Committee Research Document 87/21.
- Calaprice, J.R. , 1971.** X-ray spectrometric and multivariate analysis of sockeye salmon (*Oncorhynchus nerka*) from different geographic region. Journal of Fisheries Research Board of Canada. Vol. 28, pp.369-377.
- Campana, S.E. and Casselman, J.M. , 1993.** Stock discrimination using otoliths shape analysis. Can. J. Fish. Aquat. Sci., Vol. 44, pp.1206-1212.
- Campana, S.E. ; Fowler, A.J. and Jones, C.M. , 1994.** Otolith elemental fingerprinting for stock identification of Atlantic cod (*Gadus morhua*) using laser Ablation ICPMS. Can. J. Fish. Aquat. Sci., Vol. 51, pp.1942-1950.
- Campana, S.E. and Gagne, J.A. , 1995.** Cod stock discrimination using ICPMS elemental assays of otoliths. Recent development in fish otoliths research. University of South Carolina Press. Columbia. pp.671-691.
- Campana, S.E. ; Gagne, J.A. and McLaren, J.W. , 1995.** Elemental fingerprinting of fish otoliths using ID-ICPMS. Mar Ecol prog Ser. Vol. 122, pp.115-120.
- Cross, T.F. and Payne, R.H. , 1978.** Geographic variation in Atlantic cod, *Gadus morhua*, off eastern North America: A biochemical systematic approach. Journal of Fisheries Research Board of Canada. Vol. 35, pp.117-123.
- Edmonds, J.S. ; Lenanton, R.C.J. ; Caputi, N. and Morita, M. , 1992.** Trace elements in the otoliths of yellow-eye mullet (*Aldrichetta forsteri*) as an aid to stock identification. Fisheries, Research. Vol. 13, pp.39-51.
- Gunn, J.S. ; Harrowfield, I.R. ; Proctor, C.H. and Thresher, R.E. , 1992.** Electron probe microanalysis studying age and stock discrimination. Journal of Exp. Mar. Biol. Ecol., Vol. 158, pp.1-36.
- Halden, N.M. ; Babaluk, J.A. ; Campbell, J.L. and Teesdale, W.J. , 1995.** Scanning proton microprobe analysis of strontium in an arctic charr, *Salvelinus alpinus*, otolith: implications for the interpretation of anadromy. Environmental Biology of Fishes. Vol. 43, pp.333-339.
- Hamilton, S.J. and Haines, T.A. , 1989.** Bone characteristics and metal concentrations in white suckers (*Catostomus commersoni*) from one neutral and three acidified lakes in Maine. Canadian Journal of Fisheries and Aquatic Science. Vol. 46, pp.440-446.

- Hellou, J. ; Warren, W.G. ; Payne, J.F. ; Belkhode, S. and Lobel, P. , 1992.** Heavy metals and other elements in three tissues of cod, *Gadus morhua*, from the Northwest Atlantic. Marine Pollution Bulletin. Vol. 24, pp.452-458.
- Johansson, S.A.E. and Campbell, J.L. , 1988.** PIXE: A novel technique for elemental analysis. John Wiley & Sons Inc., 347P.
- Johnson, M.G. , 1989.** Metals in fish scales collected in Lake Opeongo, Canada from 1939 to 1979. Transactions of the American Fisheries Society. Vol. 118, pp.331-335.
- Kigam , 1998.** Proton Induced X-ray Emission (PIXE). Kore Institute of Geoscience and Mineral Resources (KIGAM)
- Kirby, B.J. ; Danks, D.M. ; Legge, G.J.F. and Mercer, J.F.B. , 1998.** Analysis of the distribution of Cu, Fe and Zn and other elements in brindled mouse kidney using a scanning proton microprobe. Journal of Inorganic Biochemistry. Vol. 71, pp.189-197.
- Lapi, L.A. and Mulligan, T.J. , 1981.** Salmon stock identification using a micro analytic technique to measure elements present in the fresh water growth region of scales. Canadian Journal of Fish Aquat. Sci. Vol. 38, pp.744-751.
- Lear, H.W. and Wells. R. , 1984.** Vertebral averages of juvenile Cod, *Gadus morhua*, from coastal waters of eastern Newfoundland and Labrador as indicators of stock origin. Journal of Northwest Atlantic Fishery Science. Vol. 5, No. 1, pp.23-31.
- Maenhaut, W. , 1994.** Particle-induced X-ray emission analysis of biological materials. Biennial Report 1993-94. University Gent, Institute Voor Nucleaire Wetenschappen, Laboratorium Voor Analytische Scheikunde. Belgium.
- Miller, P.A. ; Munkittrick, K.R. and Dixon, D.G. , 1992.** Relationship between concentrations of copper and zinc in water, sediment, benthic invertebrates, and tissues of white sucker (*Catostomus commersoni*) at metal-contaminated sites. Canadian Journal of Fisheries and Aquatic Science. Vol. 49, pp.978-984.
- Mork, J. ; Ryman, N. ; Stahl, G. ; Utter, F. and Sundnes, G. , 1985.** Genetic variation in Atlantic cod (*Gadus morhua*) throughout its range. Canadian Journal of Fisheries and Aquatic Science. Vol. 42, pp.1580-1587.
- Mulligan, T.J. ; Lapi, L. ; Kieser, R. ; Yamada, S.B. and Duewer, D.L. , 1983.** Salmon stock identification based on elemental composition of vertebrae. Canadian Journal of Fish. Aquat., Sci. Vol. 40, pp.215-229.



- Mulligan, T.J. ; Martin, F.D. ; Smucker, R.D. and Wright. D.A. , 1987. A method of stock identification based on the elemental composition of striped bass *Morone saxatilis* (walbaum) otoliths. Journal of Exp. Mar. Biol. Ecol., Vol. 114, pp.241-248.
- Papadopoulou, C. ; Kanas, G.D. and Moraitopoulou-kassimati, E. , 1980. Trace element content in fish otoliths in relation to age and size. Marine Pollution Bulletin, Vol.II: pp. 68-72.
- Report on results of complex interstate all-Caspian sea expedition on the assess of sturgeon species stocks , 2002. Astrakhan. 114P.
- Scott, D.H. and Martin, W.R. , 1957. Variation in the incidence of larval nematodes in Atlantic Cod fillets along the southern Canadian mainland. Journal of Fisheries Research Board of Canada. Vol. 14, pp.975-996.
- Sie, S.H. and Thresher, R.E. , 1992. Micro-PIXE analysis of fish otoliths: Methodology and evaluation of first results for stock discrimination. International Journal of PIXE, Vol.2, No.3, pp.357-379.
- Smith, P.J. ; Birley, A.J. ; Jamieson, A. and Bishop, C.A. , 1989. Mitochondrial DNA in the Atlantic Cod, *Gadus morhua*: Lake of genetic divergence between eastern and western populations. Journal of Fish Biology. Vol. 34, pp.369-373.
- Thorrold, S.R. ; Jones, C.M. and Campana, S.E. , 1997. Response of otolith microchemistry to environmental variations experienced by larval and juvenile Atlanti croaker (*Micropogonias undulates*). Limnol. Oceanogr. Vol. 42, No. 1, pp.102-111.
- Wise, J.P. , 1963. Cod groups in the New England area. Fishery Bulletin. Vol. 63, pp.189-203.

# Discrimination of populations of Caspian Roach (*Rutilus rutilus*) using trace element content in otoliths

**Parafkandeh Haghighi F. and Rezvani S.**

Parafkandeh@hotmail.com

Iranian Fisheries Research Organization, P.O.Box: 14155-6116 Tehran, Iran

**Keywords:** Otolith, *Rutilus rutilus*, Caspian Sea

## *Abstract*

Otoliths were collected from 98 Caspian Roach in the east, centre and west parts of south Caspian Sea during 1999-2000. Trace elements K, Sr, Cu, Fe, Zn, and Br in the otoliths were detected using PIXE method. Our results suggest K, Sr, Cu, Fe, and Zn can be used as discriminating factors for population separation in Caspian Roach. The value of K, Sr, Cu, Fe, and Zn were 7.1, 178.3, 0.1, 2.6, 0.3ppm in the west and 9.5, 11.1, 0.3, 5.7, 0.2ppm in the east. Therefore, Caspian Roach from west and east can be discriminated based on their significantly different concentration of trace element contents ( $p < 0.05$ ). However, this was not the case for fish from central part and Anzali area ( $p < 0.05$ ). This study affirmed earlier results from investigations on morphometric characteristics of Caspian Roach suggesting the presence of two different populations of *Rutilus rutilus* in the south of the Caspian Sea, namely Anzali-Kura, and Gorgan-Turkmen.